

مکاشفه عیسی مسیح - شماره هفده

بیدار کردن استخوان‌های خشک: فراخوانی به طهارت و ایمان در زمان انتظار

Jeff Pippenger

2023-11-17

استخوان‌های خشکیده‌ای که مرده در کوچه افتاده‌اند و «صدای» آن کسی را می‌شنوند که در بیابان ندا می‌دهد، این را از آن رو می‌کنند که تسلی‌دهنده آمده است، در تحقق وعده عیسی که او را بفرستد. در نخستین یأس میلریت‌ها، ایشان دریافتند که در زمان درنگِ مثلِ باکره‌ها به سر می‌برند.

«نامیدشدگان از کتاب مقدس دریافتند که در زمان تأخیر به سر می‌برند، و اینکه باید با شکیبایی در انتظار تحقق رؤیا بمانند. همان شواهدی که ایشان را بر آن داشت تا در سال 1843 در انتظار خداوند خویش باشند، ایشان را بر آن داشت که او را در سال 1844 نیز منتظر باشند.» Spiritual Gifts, volume 1, 153

کسانی که به وسیلهٔ میلری‌ها نمونه‌وار معرفی شده‌اند، تجربهٔ نخستین یأس و سرخوردگی را تکرار می‌کنند، و هنگامی که چنین می‌کنند، باید درک کنند که ایشان نیز در زمان تأخیرِ مثلِ باکره‌ها به سر می‌برند. تنها تأثیر تسلی‌دهنده است که به آنان امکان می‌دهد این حقیقت را ببینند. آن شناخت، که به واسطهٔ تسلی‌دهنده پدید می‌آید، با نخستین نبوتی نمود یافته است که به حزقیال دستور داده شد آن را برای وادی استخوان‌های خشک و مرده اعلام کند.

باز او به من گفت: بر این استخوان‌ها نبوت کن و بدیشان بگو: ای استخوان‌های خشک، کلام خداوند را بشنوید. خداوند یهوه به این استخوان‌ها چنین می‌فرماید: اینک من نفَس را در شما داخل خواهم ساخت تا زنده شوید؛ و بر شما پی‌ها خواهم نهاد، و گوشت بر شما خواهم رویانید، و شما را به پوست خواهم پوشانید، و در شما نفَس خواهم نهاد، و زنده خواهید شد؛ و خواهید دانست که من یهوه هستم. پس من، چنان‌که مأمور شده بودم، نبوت کردم؛ و چون نبوت می‌کردم، آوازی پدید آمد، و اینک لرزشی رخ داد، و استخوان‌ها به هم پیوستند، هر استخوان به استخوان خود. و چون نگریستم، اینک پی‌ها و گوشت بر آنها پدید آمد، و پوست از بالا آنها را پوشانید؛ اما در ایشان نفَس نبود. حزقیال 37:4-8.

«شور» نمایندهٔ روح القدس است. در آن هنگام، باکرگان باید تشخیص دهند که در زمان تأخیر به سر می‌برند. دستورالعمل‌های کتاب مقدسی دربارهٔ اینکه نومیدشدگان، هنگامی که درمی‌یابند در زمان تأخیر هستند، چه باید بکنند، فراوان است. ارمیا تعلیم می‌دهد که ایشان هرگز نباید به «مجمع استهزاکنندگان» بازگردند، که در پیام به فیلادفیا، همان کنیسهٔ شیطان است. همچنین باید گران‌بها را از پست جدا سازند. گران‌بها در تقابل با پست، دارای معنایی دوگانه است.

من خود سال‌ها پیش این تمایز نبوی را آموختم، هنگامی که کاربردی از رؤیای ویلیام میلر ارائه کردم. من جواهرات را به درستی به عنوان حقایق کلام خدا تعریف کردم، و جواهرات تقلبی را به عنوان تعالیم تحریف شده. پس از آن، به من خاطرنشان شد که جیمز وایت نیز کاربردی از رؤیای ویلیام میلر ارائه کرده بود، و او در کاربرد خود، جواهرات را قوم امین خدا، و جواهرات تقلبی را مدعیان کاذب حقیقت معرفی کرده بود. هنگامی که بررسی کردم جیمز وایت دربارهٔ آن رؤیا چه تعلیم داده بود، دریافتم که هر دوی ما درست گفته بودیم. جواهرات می‌توانند نمایانگر امینان خدا باشند، و جواهرات بدلی، بی‌وفایان را؛ اما جواهرات همچنین می‌توانند نمایانگر حقایق کلام خدا باشند و جواهرات تقلبی نیز می‌توانند تعالیم باطل باشند. جیمز وایت رؤیای میلر را بر تاریخی که خود در آن زمان در آن زیست

می‌کرد منطق ساخت، اما من به آن رؤیا به مثابه تاریخ ایام آخر نگریسته بودم. این دو کاربرد، در کنار یکدیگر، آشکار می‌سازند که انسان‌ها همان می‌شوند که بدان ایمان می‌آورند، و اگر برگزینند که به تعالیم گمراه‌کننده متمسک شوند، همراه با تعالیمی که با آن‌ها پیوند یافته‌اند، به وسیله مرد جاروی خاک‌روب از پنجره به بیرون رانده خواهند شد. ما همان چیزی هستیم که می‌خوریم.

هنگامی که نومیدان درمی‌یابند که در زمان تأخیر به سر می‌برند، بنا بر ارمیا باید گران‌بها را از پست جدا سازند.

«چگونه است که انسان‌هایی که با حکومت خدا در جنگ‌اند، صاحب آن حکمتی می‌شوند که گاه از خود نشان می‌دهند؟ خود شیطان در دربارهای آسمانی تعلیم یافته بود، و همان‌گونه که از بدی آگاهی دارد، از نیکی نیز معرفت دارد. او گران‌بها را با پست درهم می‌آمیزد، و همین است که به او قدرت فریب می‌بخشد. اما آیا چون شیطان خویشتن را به جامه‌های درخشندگی آسمانی آراسته است، او را همچون فرشته نور بپذیریم؟ آزمونگر، عوامل خود را دارد که بر وفق روش‌های او تعلیم یافته، از روح او الهام گرفته، و برای کار او مناسب ساخته شده‌اند. آیا با آنان همکاری کنیم؟ آیا آثار عوامل او را برای تحصیل آموزش، امری ضروری بپذیریم؟» Ministry of Healing, 440.

ارجمند و خوار نمایانگر حقیقت و خطاست. همچنین نمایانگر دو طبقه از انسان‌هاست.

«با این همه، بنیاد خدا استوار می‌ماند و این مهر را دارد که: خداوند کسانی را که از آن اویند می‌شناسد. و نیز: هر که نام مسیح را بر زبان می‌آورد، از ناراستی کناره گیرد. اما در خانه‌ای بزرگ، تنها ظرف‌های زرین و سیمین نیست، بلکه ظرف‌های چوبین و گلی نیز هست؛ و بعضی برای حرمت و بعضی برای بی‌حرمتی.» «خانه بزرگ» نماینده کلیساست. در کلیسا، هم پست‌مایگان یافت خواهند شد و هم گران‌بهایان. دام افکنده‌شده در دریا، هم نیکان را گرد می‌آورد و هم بدان را.» Review and Herald, February 5, 1901.

ارمیا را دستور داده شد که اگر بازگردد، لازم است خود را از باکره‌های جاهل جدا سازد، و نیز باید از تعالیم خطاکارانه باکره‌های جاهل کناره گیرد. آن یکصد و چهل و چهار هزار، کسانی‌اند که به وحدت کامل درمی‌آیند. ارمیا نمایانگر کاری است که آنان که به واسطه پیام دوم حزقیال درباره چهار باد برای مهر شدن فراخوانده شده‌اند، اگر قرار است هنگام سخن گفتن رؤیا «دهان» خدا باشند، باید به انجام رسانند. رؤیا در تاریخ میلریتی، هنگامی که داوری فرارسید، سخن گفت؛ و در تاریخ آن یکصد و چهل و چهار هزار نیز سخن می‌گوید، آنگاه که حیوان زمین سخن می‌گوید و داوری وای سوم فرامی‌رسد. سپس آنان که کار مشخص شده به وسیله ارمیا را به انجام رسانده‌اند، به عنوان دیده‌بانان خدا برافراشته می‌شوند.

جب خداوند تسلی‌بخش را می‌فرستد تا نومیدان را از مرگشان بیدار کند، کاری از تطهیر را معین می‌سازد که اگر بخواهند در بحران قانون یک‌شنبه سخنگویان او باشند، باید آن را به انجام رسانند. اشعیا با اندرز ارمیا موافقت دارد.

چقدر زیباست بر کوه‌ها پای‌های آن که بشارت می‌آورد، آن که سلامتی را اعلام می‌کند؛ آن که بشارت نیکویی می‌آورد، آن که نجات را اعلام می‌نماید؛ آن که به صهیون می‌گوید: خدای تو سلطنت می‌کند! دیدبانان تو آواز خویش را بلند خواهند کرد؛ با هم، به یک صدا خواهند سرایید؛ زیرا هنگامی که خداوند صهیون را بازآورد، ایشان رو در رو خواهند دید. ای ویرانه‌های اورشلیم، به شادی بانگ برآورید و با هم بسرایید؛ زیرا خداوند قوم خود را تسلی داده، و اورشلیم را فدیہ کرده است. اشعیا ۵۲: ۷-۹

آنان که «بشارت می‌آورند» و «سلامتی و نجات را اعلام می‌کنند»، «با هم آواز خویش را برمی‌افرازند»، زیرا «رو در رو خواهند دید».

«چند تن دیگر نیز به من نشان داده شدند که نفوذ خود را با کسانی که از آنان یاد کرده‌ام همراه می‌سازند، و با هم هر آنچه در توان دارند انجام می‌دهند تا از بدنه جدا سازند و سبب آشفته‌گی شوند؛ و نفوذ ایشان حقیقت خدا را بی‌اعتبار می‌گرداند. عیسی و فرشتگان مقدس در کار برآوردن و متحد ساختن قوم خدا در یک ایمان هستند، تا همه یک فکر و یک داور داشته باشند. و در حالی که ایشان برای رسیدن به یگانگی ایمان، تا در باب حقایق پرهیبت و مهم برای این زمان هم‌نظر شوند، به هم پیوسته می‌شوند، شیطان در کار است تا در برابر پیشرفت آنان مقاومت کند. عیسی به وسیله ابزارهای خود در کار گرد آوردن و متحد ساختن است. شیطان به وسیله ابزارهای خود در کار پراکندن و تفرقه افکندن است. «زیرا اینک من فرمان خواهم داد، و خاندان اسرائیل را در میان جمیع امت‌ها خواهم الک کرد، چنان‌که غله در غربال الک می‌شود، با این حال حتی کوچک‌ترین دانه نیز بر زمین نخواهد افتاد.»

«خدا اکنون قوم خود را می‌آزماید و محک می‌زند. شخصیت در حال پرورش یافتن است. فرشتگان ارزش اخلاقی را می‌سنجند و از همه اعمال فرزندان آدم، به امانت، سجلی دقیق نگاه می‌دارند. در میان مردمان معترف خدا، دل‌های فاسد نیز هستند؛ اما آنان آزموده و محک زده خواهند شد. آن خدایی که دل هر کس را می‌خواند، چیزهای پنهان ظلمت را آشکار خواهد ساخت، در آنجا که غالباً کمترین گمان به آن می‌رود، تا سنگ‌های لغزشی که مانع پیشرفت حقیقت شده‌اند، برطرف گردند، و خدا قومی پاک و مقدس داشته باشد تا فرایض و احکام او را اعلام کنند.»

zveličanja Vojskovođa vodi svoj narod korak po korak, pročišćavajući ga i 333,,
osposobljavajući za preobraženje, a u pozadini ostavlja one koji su skloni da se
odvajaju od tela, koji nisu voljni da budu vođeni i koji su zadovoljni sopstvenom
pravednošću. 'Ako je dakle svetlost koja je u tebi tama, kolika je tek ta tama!' Nikakva
veća obmana ne može prevariti ljudski um od one koja navodi ljude da gaje duh
samopouzdanja, da veruju da su u pravu i u svetlosti, dok se udaljavaju od Božjeg
naroda, a njihova negovana svetlost jeste tama." Testimonies, tom 1, 332, 333,,

عبارت «بشارت می‌آورد» در فراز اشعیا دو بار تکرار شده است تا تاریخ ندای نیمه شب را مشخص سازد؛ چنان‌که آیاتی که به توصیف اشعیا از آن وحدتی می‌انجامند که هنگام جدا شدن گران‌بها از پست حاصل می‌شود نیز همین امر را نشان می‌دهند.

بیدار شو، بیدار شو؛ ای صهیون، قوت خود را بپوش؛ ای اورشلیم، شهر مقدس، جامه‌های زیبای خویش را بر تن کن؛ زیرا از این پس دیگر نامختون و ناپاک به درون تو نخواهد آمد. خود را از غبار بتکان؛ برخیز و بنشین، ای اورشلیم؛ ای دختر اسیر صهیون، بندهای گردن خویش را بگشا. اشعیا ۵۲:۱، ۲

ارمیا نماینده کسانی است که در نخستین ناکامی‌اند و درمی‌یابند که در زمان تأخیر به سر می‌برند. اشعیا همان اشخاص را فرمان می‌دهد که «بیدار شو، بیدار شو». آنان بیدار می‌شوند و سرانجام به نقطه‌ای می‌رسند که دیگر هیچ نامختون و ناپاکی در کلیسای خدا نخواهد بود، زیرا کار جدا ساختن گرانبها از خبیث را به انجام رسانده‌اند. «خداوند می‌خواهد کلیسای او پیش از آنکه داورهایش به گونه‌ای آشکارتر بر جهان فرود آید، تطهیر شود.»

«ما با شتاب به پایان تاریخ این زمین نزدیک می‌شویم. پایان بسیار نزدیک است، بسیار نزدیک‌تر از آنچه بسیاری گمان می‌برند، و من خود را موظف می‌بینم که بر قوم خود ضرورت جستن جدی

خداوند را تأکید کنم. بسیاری در خواب‌اند، و چه می‌توان گفت تا ایشان از خواب جسمانی خود بیدار شوند؟ خداوند می‌خواهد کلیسای او پیش از آنکه داوری‌های او به‌گونه‌ای آشکارتر بر جهان فرود آید، تطهیر گردد.»

«چه کسی می‌تواند روز آمدن او را تاب آورد؟ و چه کسی هنگامی که او ظاهر شود خواهد ایستاد؟ زیرا او همچون آتش گدازنده و مانند صابون رخت‌شویان است؛ و او چون پالاینده و تصفیه‌کننده نقره خواهد نشست؛ و پسران لاوی را طاهر خواهد ساخت و ایشان را مانند طلا و نقره پاک خواهد نمود، تا هدیه‌ای به عدالت برای خداوند تقدیم کنند.»

«مسیح هر پوشش ریاکارانه‌ای را برخواهد داشت. هیچ آمیختگی امر حقیقی با امر مجعول نمی‌تواند او را بفریبد. «او همچون آتش پالایشگر است»، و گران‌بها را از خوار، و ناخالصی را از طلا جدا می‌سازد.»

«مانند لاویان، قوم برگزیده خدا به‌وسیله او برای خدمت ویژه او جدا شده‌اند. هر مسیحی حقیقی از منزلت کهناتی برخوردار است. به او مسئولیت مقدس نمایان ساختن سیرت پدر آسمانی‌اش به جهان سپرده شده است. او باید این سخنان را به‌خوبی به گوش گیرد: "پس شما کامل باشید، چنان‌که پدر شما که در آسمان است کامل است."»

«اما برای شما که از نام من می‌ترسید، آفتاب عدالت با شفا در بال‌های خویش طلوع خواهد کرد؛ و شما بیرون خواهید رفت و مانند گوساله‌های پرواری جست‌وخیز خواهید نمود. و شریران را پایمال خواهید کرد، زیرا در روزی که من این کار را به‌عمل آورم، ایشان زیر کف پایهای شما خاکستر خواهند شد، خداوند لشکرها می‌گوید.»

«شریعت موسی میرے بندے کو یاد رکھو، جسے میں نے حوریب میں تمام اسرائیل کے لیے احکام اور عدالتوں سمیت اسے دیا تھا۔ دیکھو، خداوند کے عظیم اور ہولناک دن کے آنے سے پہلے میں تمہارے پاس ایلیاہ نبی کو بھیجوں گا؛ اور وہ باپوں کے دل اولاد کی طرف، اور اولاد کے دل ان کے باپوں کی طرف پھیر دے گا، ایسا نہ ہو کہ میں آؤں اور زمین کو لعنت سے ماروں۔» ریویو اینڈ پیرالڈ، 8 نومبر 1906۔

آنان کہ به تعالیم کاذب تمسک می‌جویند، در تاریخی که با «صدا»ی نداکننده در بیابان آغاز می‌شود، جدا خواهند شد. آنان که از این امتناع می‌ورزند که به قدرت خلافت خدا اجازه دهند در زندگی شخصی ایشان تجربه‌ای تقدیس‌شده پدید آورد، در تاریخی که با «صدا»ی نداکننده در بیابان آغاز می‌شود، از «طلا» جدا خواهند شد. ایشان همچنان لائودیکیه‌ای باقی خواهند ماند، درست در همان نقطه‌ای که لائودیکیه به فیلادلفیا فرامی‌گذرد.

کار جدا ساختن گران‌بها از پست، تقریباً به‌طور کامل کار فرستاده عهد است که ناگهان می‌آید تا پسران لاوی را تطهیر کند، اما ما نیز باید در آن مشارکت داشته باشیم.

परन्तु, नही ही मे उपस्थिति मेरी केवल ही वैसे, हो रहे आज्ञाकारी सदा तुम जैसे, जनो प्रिय मेरे हे, इसलिए क्योकरिहो। करते पूरा कार्य का उद्धार अपने हुए काँपते और भय, अधकि भी और मे अनुपस्थिति मेरी अब है। कराता भी कार्य और है करता उत्पन्न भी इच्छा मे तुम अनुसार के प्रसन्नता अपनी जो है ही परमेश्वर की परमेश्वर, ठहरो नषिकपट और नषिकलंक तुम ताक, करो कियो के वविद और कुड़कुड़ाहट बनि काम सब चमकते समान के ज्योतियो मे जगत तुम मध्य जनिके, बीच के पीढ़ी भ्रष्ट और टेढ़ी एक, नरिदोष, सन्नतान फलिपिपियो हो। 2:12-15

ارمیا را امر شد که اگر می‌خواست در داوری آینده سخنگوی خدا باشد، گران‌بها را از پست جدا سازد. این واقعیت که ارمیا مشورت خدا را خطاب به خود می‌شنید، نشان می‌داد که حضور تسلی‌دهنده از

پیش در دسترس بود، اگر او برمی‌گزید که این کار را بر عهده گیرد.

«عمل حصول نجات، عمل مشارکت است، عملی مشترک. باید میان خدا و گناهکار توبه‌کار همکاری برقرار باشد. این امر برای شکل‌گیری اصول درست در منش ضروری است. انسان باید کوشش‌های جدی به عمل آورد تا بر آنچه او را از رسیدن به کمال بازمی‌دارد غلبه کند. اما کامیابی او یکسره وابسته به خداست. کوشش انسانی به‌خودی خود کافی نیست. بدون یاری قدرت الهی هیچ سودی نمی‌بخشد. خدا عمل می‌کند و انسان نیز عمل می‌کند. مقاومت در برابر وسوسه باید از جانب انسان صورت گیرد، انسانی که باید قدرت خود را از خدا برگیرد. از یک سو حکمت، شفقت و قدرت نامتناهی قرار دارد؛ و از سوی دیگر، ضعف، گناه‌آلودگی، و درماندگی مطلق.

«خداوند می‌خواهد که ما بر خویشتن تسلط داشته باشیم. اما او بدون رضایت و همکاری ما نمی‌تواند ما را یاری دهد. روح الهی از طریق نیروها و استعدادهایی که به انسان عطا شده است عمل می‌کند. ما از خود قادر نیستیم مقاصد و امیال و گرایش‌های خویش را با اراده خدا در هماهنگی آوریم؛ اما اگر «راضی باشیم که راغب ساخته شویم»، نجات‌دهنده این را برای ما به‌انجام خواهد رسانید: «تخیلات و هر بلندی‌ای را که خود را بر ضد معرفت خدا می‌افرازد فرو می‌افکنیم، و هر اندیشه‌ای را به اطاعت مسیح اسیر می‌سازیم.» 2 Corinthian 10:5. اعمال رسولان، 482.

مکاشفه باب گیاره که ساژه تین دن، جب خشک بڈیاں گلی میں مردہ پڑی ہیں، ایک "بیابان" کی علامت ہیں، اور "بیابان" احبار چھبیس کے "سات زمانوں" کی نمائندگی کرتا ہے۔ ساژه تین دنوں کی پراگندگی کے اختتام پر، وہ جو ایک لاکھ چوالیس ہزار میں شامل ہونے کے لیے بلائے گئے ہیں، "بیدار" ہوں اور "گرد جھاڑ" دیں۔ سسٹر وائٹ فرماتی ہیں، "خداوند چاہتا ہے کہ اُس کی کلیسیا پاک کی جائے، پیش ازاں کہ اُس کے احکام دنیا پر زیادہ نمایاں طور پر نازل ہوں۔"

در ارتباط با یک «کلیسای تطہیر شدہ»، او به فرایند جداسازی ارمیا اشاره می‌کند که «گران‌بها را از پست» جدا می‌سازد. همچنین آن را با باب سوم ملاکی مرتبط می‌داند، جایی که رسولی راه را برای رسول عهد مهیا می‌سازد. آن رسولی که راه را مهیا می‌کند، همان «صدای نداکننده در بیابان» در اشعیاست. رسول عهد، مسیح است که در تدارک آن است تا با آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر داخل عهد شود؛ کسانی که «همچون» «لاویان»، «به‌وسیله او برای کار ویژه‌اش جدا شده‌اند». سپس آنان را کاهنان معرفی می‌کند و از عیسی نقل می‌کند که می‌فرماید: «پس شما کامل باشید، چنان‌که پدر شما که در آسمان است کامل است.»

یک فرایند تطہیر وجود دارد که در پایان دورہ زمان تأخیر مشخص می‌شود، زیرا خداوند برای صد و چهل و چهار هزار نفر کاری ویژه دارد تا آن را به انجام رسانند، و او پیش از آن که «احکام او به‌گونه‌ای بارزتر بر جهان فرود آید» کلیسای مطہر خواهد داشت. احکام او هم‌اکنون نیز در جهان جاری است، اما در هنگام قانون یکشنبه، «احکام ویرانگر خدا» آغاز به فرود آمدن می‌کند.

آن داورى‌ها «زمانی از رحمت برای کسانی است که هرگز حقیقت را نشناخته‌اند.» اما در آن داورى‌ها برای کسانی که خواستند وارد فرایند ضروری تطہیر شوند، هیچ رحمتی نیست. «داورى‌ها» که «به‌گونه‌ای برجسته‌تر فرود می‌آیند»، داورى‌هایی را مشخص می‌سازند که نشانه‌اند. آن‌ها علامتی را نمایان می‌سازند، و روح‌القدس از آشوب و سردرگمی‌ای که به‌وسیله آن داورى‌ها پدید می‌آید استفاده می‌کند تا تمایزی را میان کسانی که «روز استراحت جعلی» را نگاه می‌دارند و کسانی که «با وجدانی بیدار، سبت خداوند را نگاه می‌دارند» مشخص سازد؛ زیرا این تنها راهی است که «جهان می‌تواند هشدار یابد.» داورى‌هایی که نشانه‌اند، پس‌زمینه‌ای هستند که روح‌القدس از آن استفاده می‌کند تا فرزندان خدا را که هنوز در بابل‌اند هدایت کند تا علم یکصد و چهل و چهار هزار را تشخیص دهند.

لیکن سسٹر وائٹ صرف ملاکی کے تیسرے باب کا حوالہ نہیں دیتیں، بلکہ وہ ملاکی کی کتاب کے چوتھے باب کی اختتامی آیات کو بھی شامل کرتی ہیں، اور ایک بار پھر اُس "آواز" کا حوالہ دیتی ہیں جسے عہد کے فرستادہ کے لیے راہ تیار کرنا تھا۔ وہ اختتامی آیات عہد کے فرستادہ کے لیے تیاری کے بارے میں نہیں ہیں؛ وہ موسیٰ کی شریعت کو یاد رکھنے، اور باپوں کے دلوں کے بیٹوں کی طرف اور بیٹوں کے دلوں کے باپوں کی طرف پھیرے جانے کے بارے میں ہیں۔ "آواز" پہلے مسیح کے لیے، بطور عہد کے فرستادہ، راہ تیار کرتی ہے تاکہ وہ اچانک اپنے پیکل میں آئے اور اپنے اُن مایوس لوگوں کو، جو جگائے گئے ہیں، پاک کرے، تاکہ وہ علم کے کام کو انجام دیں۔ پھر ملاکی "آواز" کے کام کے ایک دوسرے پہلو سے خطاب کرتا ہے۔

او «دل پدران را به سوی فرزندان، و دل فرزندان را به سوی پدران ایشان بازخواهد گردانید»، و این کار را در ارتباط با شریعتی کہ در حوریب داده شد انجام خواهد داد. ایلیا، کہ همان «صدای» اشعیا نیز هست، گناہان قوم خدا را آشکار خواهد ساخت. این بخشی از فرایند تطہیر است. برای گناہ تنها یک تعریف وجود دارد، و آن تعدی از شریعتی است کہ در حوریب داده شد. یحیی تعمیددہندہ ایلیا بود، و کار او ہمین عنصر را نیز دربر می گرفت.

در آن ایام، یحیی تعمیددہندہ در بیابان یہودیہ ظاہر شد و موعظہ می کرد، و می گفت: «توبہ کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است.» زیرا این همان کسی است کہ اشعیا نبی دربارہ اش گفتہ است: «صدای نداکنندہ ای در بیابان: راہ خداوند را مہیا سازید و طریق ہای او را راست گردانید.» و همان یحیی جامہ ای از موی شتر بر تن داشت و کمربندی چرمی بر کمر؛ و خوراک او از ملخ و عسل وحشی بود. آنگاہ اورشلیم و تمامی یہودیہ و سراسر نواحی پیرامون اردن نزد او بیرون می رفتند، و در اردن از او تعمید می یافتند و بہ گناہان خود اعتراف می کردند. اما چون بسیاری از فریسیان و صدوقیان را دید کہ برای تعمید یافتن نزد او می آیند، بدیشان گفت: «ای افعی زادگان، چہ کسی شما را ہشدار داده است کہ از غضب آیندہ بگریزید؟»

پس میوہ ہایی شایستہ توبہ بیاورید؛ و در دل خود مگوئید کہ «ابراہیم پدر ماست؛» زیرا بہ شما می گویم کہ خدا قادر است از این سنگ ہا برای ابراہیم فرزندان برانگیزاند. و اکنون نیز تبر بر ریشہ درختان نہادہ شدہ است؛ پس ہر درختی کہ میوہ نیکو نیاورد، بریدہ و در آتش افکندہ می شود. من شما را بہ آب برای توبہ تعمید می دہم؛ اما آن کہ پس از من می آید، از من نیرومندتر است، و من شایستہ نیستم کہ کفش ہای او را برگیرم؛ او شما را بہ روح القدس و آتش تعمید خواہد داد. او غربال خود را در دست دارد، و خرمنگاہ خویش را بہ کلی پاک خواہد ساخت، و گندم خود را بہ انبار گرد خواہد آورد؛ اما کاہ را در آتشی خاموشی ناپذیر خواہد سوزانید. متی ۱۲-۱۳.

یوحنا تعمیددہندہ بہ «بیابان» سہ روز و نیم مکاشفہ یازدہ آمد، زیرا ہمہ انبیا بیش از روزگاری کہ خود در آن می زیستند، از ایام آخر سخن می گویند. او پیامی آورد تا از گناہ توبہ شود، زیرا ملکوت آسمان نزدیک بود؛ چنان کہ مکاشفہ عیسی مسیح نیز ہنگامی گشودہ می شود کہ «وقت نزدیک است». یوحنا تعمیددہندہ کار «صدا» را مجسم می سازد، زیرا بنا بر گفتہ عیسی، او همان ایلایی نیز بود کہ می بایست بیاید.

زیرا ہمہ انبیا و شریعت تا زمان یحیی نبوت کردند. و اگر بخواہید بپذیرید، او همان الیاس است کہ می بایست بیاید. ہر کہ گوش شنوا دارد، بشنود. متی 11:13-15.

عیسی تصریح می کند کہ ہویت نبوتی یحیی تعمیددہندہ آزمونی بود. او بہ صراحت می فرماید: «اگر بخواہید آن را بپذیرید». سپس عیسی شاگردان خود را بہ پذیرفتن آن ترغیب می کند، آن گاہ کہ می گوید: «ہر کہ گوش شنوا دارد، بشنود.» چہ چیز را بشنود؟ بشنود کہ آن صدا کہ بہ آخرین بیابان

کتاب مقدس می‌آید کیست، و راه را برای رسول عهد مهیا می‌سازد تا یکصد و چهل و چهار هزار تن را آماده کند که در زمان دآوری‌های علامت‌دار خدا، کاری ویژه انجام دهند.

یوحنا «جامه‌ای از موی شتر بر تن داشت، و کمربندی چرمی بر کمر؛ و خوراکش از ملخ‌ها و عسل وحشی بود.» «خوراک» او پیام اسلام بود، زیرا واژه «ملخ‌ها» نمایانگر اسلام است، و عسل کلام خداست که در دهان او شیرین بود. پیام شیرینی که او خورد درباره «گورخر» عربی «وحشی» بود، همان نخستین نماد اسلام در کتاب‌های مقدس. پیام شیرین گورخر وحشی عربی اسلام، که با «ملخ‌ها» نیز نمایانده شده است، در جامه او نیز بافته شده بود، زیرا شتران نیز نمادی دیگر از اسلام‌اند. به کار بردن واژه «ملخ‌ها» به عنوان نماد اسلام، تحریف این کلمه نیست، حتی اگر خوراکی که یوحنا خورد اشاره به درخت خرنوب داشته باشد، نه به حشرات. واژه «ملخ‌ها» نماد اسلام است، و یوحنا نمایانگر خوردن هیچ خوراک جسمانی‌ای نبود؛ رژیم غذایی او نمادی از پیام نبوی‌ای بود که خورده بود.

کمربند او همان «نبوتی» بود که در حقوق به تصویر کشیده شده است. آن نبوت، نخستین مایوس‌شدگی، زمان درنگ باکره‌ها، و بنیان‌های ادونتیسیم را، چنان‌که بر نمودارهای مقدس بازنمایی شده‌اند، به هم پیوند می‌دهد. حقوق کمربند نبوی‌ای بود که همه آن حقایق را به یکدیگر بسته بود.

زیرا رؤیا هنوز برای زمان معین است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ اگرچه درنگ نماید، منتظرش بمان؛ زیرا که یقیناً خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. اینک جان او که متکبر شده است در وی راست نیست؛ اما عادل به ایمان خود زیست خواهد نمود. حقوق ۳:۴، ۴

پیام نبوی‌ای که همچون کمربندی، پیام‌هایی را که هشدار «صدا» را تشکیل می‌دهند به هم پیوند می‌داد، مثل باکره‌هاست در ارتباط با رؤیایی که درنگ کرد، اما سخن خواهد گفت. رؤیای فریاد نیمه‌شب تمایزی پدید می‌آورد میان پست، که «جانش در او متکبر است»، و گران‌بها، که به واسطه ایمان عادل شمرده می‌شوند. عادل‌شمردگی به واسطه ایمان، کمربندی است که «صدا» بر کمر دارد.

و عدالت کمربند کمر او خواهد بود، و امانت کمربند پهلوهایی او. اشعیا ۵:۱۱.

جپ 18 جولائی 2020 کی مایوسی کے بعد مایوسی کی وہ «بیابان میں پکارنے والے کی آواز» پہنچی، تو اُس کا پیغام وہی پیغام تھا جو 11 ستمبر 2001 سے رہا تھا۔ اُنے والے ایلپاہ کا وہ پیغام، منتظر، مایوس، مردہ، خشک ہڈیوں کے لیے، یہ ہے کہ اسلام ہی «علامتی عدالتیں» ہے، جو بابل میں خدا کے دوسرے فرزندان کے لیے راستبازی سیکھنے کا پس منظر فراہم کرتی ہیں۔

La senda del justo es rectitud; tú, rectísimo, ponderas el camino del justo. También en la senda de tus juicios, oh Señor, en ti hemos esperado; el deseo de nuestra alma es hacia tu nombre, y hacia la memoria de ti. Con mi alma te he deseado en la noche; sí, con mi espíritu dentro de mí te buscaré de madrugada; porque cuando tus juicios están en la tierra, los habitantes del mundo aprenden justicia. Isaías 26:7-9

یحیی تعمیددهنده، که همان ایلپای آمدنی بود، «صدا» در «بیابان» سه روز و نیم فصل یازدهم مکاشفه است. کار او دربرگیرنده شناسایی نسل چهارم و نهایی ادونتیسیم است؛ نسلی که جان‌هایشان برافراشته شده و بر میراث روحانی پدران خود توکل دارند، اما احساس می‌کنند که غضب خدا در شرف آمدن است. ایشان نسل چهارم‌اند، زیرا به طور کامل به نسلی تظاهر یافته‌اند که درست ضد مسیح است. آنان نسل افعیان‌اند، اما همچنان به پدر خود، ابراهیم، اشاره می‌کنند تا استدلال کنند که در واقع نسل بره هستند. نسل بره همان نسل برگزیده پطرس است؛ آنان کسانی‌اند که هر جا بره بروند، او را پیروی می‌کنند.

یوحنا آشکارا گناهان کسانی را که برای شنیدن پیام او می‌آمدند، پیش رویشان نهاد، زیرا آنان توبه کردند و تعمید یافتند. او همچنین به ایشان اعلام کرد که کسی پس از او خواهد آمد که خرمناگاه خویش را به کمال پاک خواهد ساخت. آن شخص، رسول عهد است؛ او «مرد جاروب غبار» است که سکه‌ها و جواهرات تقلبی را از پنجره به بیرون می‌روید و جواهرات اصلی را بازمی‌گرداند، و آنگاه آنها ده بار درخشان‌تر از زمانی می‌درخشند که ویلیام میلر به وسیله فرشتگان در کار گردآوردن جواهرات اصلی در جنبش فرشته اول هدایت شد.

یوحنا تعمیددهنده در نکوهش صریح اعتماد ادونتیست لائودیکیه‌ای به پدر خود، ابراهیم، مستقیم بود؛ زیرا ایلای موعود می‌بایست دل‌های پدران را به سوی فرزندان و نیز دل‌های فرزندان را به سوی پدران بازگرداند. اصل کاربرد کتاب مقدسی نخست و آخر در آن عمل نمایان است، اما همچنین علاج کسانی نیز در آن نهفته است که خود را در وضعیتی پراکنده، در سرزمین دشمنان، و مرده در بیابان می‌یابند. آنان باید گناهان خود و گناهان پدران خویش را بازشناسند و توبه کنند. همراه با بازشناخت گناهان خود و گناهان پدران، باید همچنین اقرار کنند که در طول دوره بیابان سه روز و نیم با خداوند سلوک نکرده‌اند. افزون بر این، باید اقرار کنند که خدا نیز در طی آن تاریخ با ایشان سلوک نکرده است.

و آنان که از شما باقی بمانند، در سرزمین‌های دشمنان خویش در گناه خود تحلیل خواهند رفت؛ و نیز در گناهان پدران خود، با ایشان تحلیل خواهند رفت. اگر به گناه خود و گناه پدران خویش اعتراف کنند، همراه با خیانتی که بدان نسبت به من خیانت ورزیدند، و نیز اینکه بر خلاف من رفتار کردند؛ و اینکه من نیز بر خلاف ایشان رفتار کردم و آنان را به سرزمین دشمنانشان آوردم؛ اگر آنگاه دل‌های نامختون ایشان فروتن گردد، و آنگاه کیفر گناه خویش را بپذیرند؛ آن‌گاه عهد خود را با یعقوب به یاد خواهم آورد، و نیز عهد خود را با اسحاق، و عهد خود را با ابراهیم نیز به یاد خواهم آورد؛ و آن سرزمین را نیز به یاد خواهم آورد. لاویان 26:39-42.

لعنت از آن رو بود که ایشان سبب‌های زمین را به یاد نیاوردند.

یوحنا تعمیددهنده، که همان ایلای موعود بود، مظهر آن «صدا» در بیابان سه روز و نیم مکاشفه یازدهم بود. او استخوان‌های خشک مرده را رهنمون می‌شد تا شریعت موسی را در حوریب «به یاد آورند»، و اگر چنین می‌کردند، آنگاه رسول عهد، عهد پدران ایشان را «به یاد می‌آورد». اما تنها در صورتی که به گناهان خود، گناهان پدران خود، و از آن فروتن‌کننده‌تر، به تعدیات مشخصی که «بر ضد» خدا مرتکب شده بودند، اقرار می‌کردند.

آنها همچنین می‌بایست اقرار کنند که «برخلاف» خدا رفتار کرده بودند، و اینکه خدا نیز «برخلاف» ایشان رفتار کرده بود.

آنان همچنین می‌بایست دریابند که همان استخوان‌های خشک مرده در کوچه مکاشفه یازده هستند، زیرا ناگزیر بودند اعتراف کنند که خدا ایشان را به سرزمین دشمن آورده است، و سرزمین دشمن مرگ است.

به گفته یحیی تعمیددهنده، آنان همچنین می‌بایست به این پرسش پاسخ دهند که آن «صدا» نداکننده در «بیابان» کیست، زیرا یحیی پرسید: «چه کسی شما را آگاه ساخته است تا از غضب آینده بگریزید؟»

ما این موضوعات را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

Է Աստծու պաշտոնային. «Աղաղակիր բարձրաձայն, մի խնայիր, փողի պես 299:»
բարձրացրու քո ձայնը և ցույց տուր իմ ժողովրդին նրանց հանցանքները, և

Հակոբի տանը՝ Նրանց մեղքերը»: Տերն այս ժողովրդի մասին ասում է. «Նրանք ամեն օր փնտրում են ինձ և հաճույք են գտնում իմ ճանապարհները ճանաչելու մեջ, ինչպես մի ազգ, որ արդարություն էր գործում»: Ահա մի ժողովուրդ, որ ինքնախաբեությամբ լցված է, ինքնարդար, ինքնագոհ, և պաշտոնյային պատվիրված է բարձրաձայն աղաղակել ու ցույց տալ Նրանց հանցանքները: Բոլոր դարերում այս գործը կատարվել է Աստծու ժողովրդի համար, և այժմ այն առավել քան երբևէ անհրաժեշտ է»: Վկայություններ, հատոր 5, 299:”